به نام یزدان پاک

همه سوال‌های

زبان و ادبیات عربی

(جلد ۹)

۱۴۰۵

تالیف و تدوین

گروه مولفین پردازش

فهرست مطالب

پیش گفتار ۷

آزمون کارشناسی ارشد زبان عربی ۱۴۰۵

صرف و نحو ۱۱
پاسخ‌نامه صرف و نحو ۱۴
درسنامه مروری صرف و نحو ۳۶
آزمون شبیه ساز ۳۸
علوم بلاغی ۴۱
پاسخ‌نامه علوم بلاغی ۴۴
آزمون شبیه ساز ۶۷
درسنامه مروری علوم بلاغی ۷۲
تاریخ ادبیات و نقد ادبی ۷۵
پاسخ‌نامه تاریخ ادبیات و نقد ادبی ۷۸
آزمون شبیه ساز ۱۰۱
درسنامه مروری تاریخ ادبیات و نقد ادبی ۱۰۵
تشکیل و ترجمه و فهم متون ادبی ۱۰۷
پاسخ‌نامه تشکیل و ترجمه و فهم متون ادبی ۱۱۱
آزمون شبیه ساز ۱۳۱
درسنامه مروری تشکیل و ترجمه و فهم متون ادبی ۱۳۴
ترجمه و تعریب متون معاصر ۱۳۶
پاسخ‌نامه ترجمه و تعریب متون معاصر ۱۴۰
آزمون شبیه ساز ۱۶۰
درسنامه مروری ترجمه و تعریب متون معاصر ۱۶۴
مهارت های زبانی ۱۶۷
پاسخ‌نامه مهارت های زبانی ۱۷۰
آزمون شبیه ساز ۱۹۰
درسنامه مروری مهارت های زبانی ۱۹۴
منابع ۱۹۷

جدول جامع فراوانی موضوعی سؤالات آزمون کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی (کد ۱۱۰۴) – سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵

مبحث / سال	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	۱۴۰۳	۱۴۰۴	۱۴۰۵	مجموع	درصد فراوانی
۱. زبان عمومی و تخصصی (انگلیسی)	**۳۰**	**۳۰**	**۲۵**	**۲۵**	**۲۵**	**۲۵**	**۱۶۰**	**۱۸.۱۸٪**
لغت (Vocabulary)	۱۰	۱۰	۷	۷	۷	۷	۴۸	۵.۴۵٪
کلوز تست (Cloze Test)	۵	۵	۳	۳	۳	۳	۲۲	۲.۵۰٪
درک مطلب (Reading Comprehension)	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۹۰	۱۰.۲۳٪
۲. صرف و نحو	**۲۰**	**۲۰**	**۲۰**	**۲۰**	**۲۰**	**۲۰**	**۱۲۰**	**۱۳.۶۴٪**
اعراب و تحلیل صرفی ترکیبی	۵	۵	۵	۵	۵	۶	۳۱	۳.۵۲٪
مباحث صرفی (اعلال، ادغام، تصغیر، نسبت، مثنی، تأنیث و ابواب)	۴	۴	۳	۳	۵	۲	۲۱	۲.۳۹٪
مشتقات و عمل آن‌ها (اسم فاعل، مفعول، صفت مشبهه، تفضیل و تعجب)	۱	۴	۱	۰	۱	۳	۱۰	۱.۱۴٪
مبتدا و خبر، نواسخ، مجهول و تقدیم و تأخیر ارکان	۳	۴	۵	۲	۲	۴	۲۰	۲.۲۷٪
منصوبات (مفاعیل، حال، تمییز، منادا، عدد)، مجرورات و توابع	۵	۳	۳	۶	۶	۴	۲۷	۳.۰۷٪
ادوات شرط، جزم، نصب مضارع و موصولات	۲	۰	۳	۴	۱	۱	۱۱	۱.۲۵٪
۳. علوم بلاغی (معانی، بیان، بدیع، عروض)	**۲۰**	**۲۰**	**۲۰**	**۲۰**	**۲۰**	**۲۰**	**۱۲۰**	**۱۳.۶۴٪**
علم معانی (خبر و انشاء، اسناد، قصر، فصل و وصل، ایجاز و اطناب)	۹	۹	۱۰	۱۱	۱۰	۱۰	۵۹	۶.۷۰٪
علم بیان (تشبیه، استعاره، مجاز مرسل و عقلی، کنایه)	۷	۷	۶	۶	۶	۶	۳۸	۴.۳۲٪

مبحث / سال	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	۱۴۰۳	۱۴۰۴	۱۴۰۵	مجموع	درصد فراوانی
علم بدیع (محسنات لفظی و معنوی)	۲	۲	۲	۱	۲	۲	۱۱	۱.۲۵٪
علم عروض و قافیه (بحور، تقطیع و اوزان)	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۱۲	۱.۳۶٪
۴. تاریخ ادبیات و نقد ادبی	**۲۰**	**۲۰**	**۲۰**	**۲۰**	**۲۰**	**۲۰**	**۱۲۰**	**۱۳.۶۴٪**
ادبیات جاهلی و صدر اسلام	۲	۲	۲	۱	۱	۳	۱۱	۱.۲۵٪
ادبیات عصر اموی	۳	۱	۰	۲	۱	۳	۱۰	۱.۱۴٪
ادبیات عصر عباسی	۴	۶	۵	۶	۵	۴	۳۰	۳.۴۱٪
ادبیات اندلس، مملوکی، مغولی و عثمانی	۲	۱	۵	۱	۰	۴	۱۳	۱.۴۸٪
ادبیات معاصر (نهضت، مدارس شعری و مهجر)	۲	۳	۳	۱	۳	۲	۱۴	۱.۵۹٪
نقد ادبی (قدیم و جدید)، مکاتب ادبی و ادبیات تطبیقی	۷	۵	۳	۵	۶	۴	۳۰	۳.۴۱٪
کتاب‌شناسی و معرفی آثار و مؤلفان	۰	۲	۲	۴	۴	۰	۱۲	۱.۳۶٪
۵. تشکیل و ترجمه و فهم متون ادبی	**۲۰**	**۲۰**	**۲۰**	**۲۰**	**۲۰**	**۲۰**	**۱۲۰**	**۱۳.۶۴٪**
تشکیل (حرکت‌گذاری و اعراب‌گذاری متون)	۵	۵	۵	۵	۵	۳	۲۸	۳.۱۸٪
ترجمه و مفهوم آیات قرآن، نهج‌البلاغه و احادیث	۴	۵	۵	۵	۷	۲	۲۸	۳.۱۸٪
ترجمه و فهم نثر و شعر ادبی (کلاسیک و معاصر) و امثال	۱۱	۱۰	۱۰	۱۰	۸	۱۲	۶۱	۶.۹۳٪
درک مطلب متن ادبی	۰	۰	۰	۰	۰	۳	۳	۰.۳۴٪
۶. ترجمه و تعریب متون معاصر	**۲۰**	**۲۰**	**۲۰**	**۲۰**	**۲۰**	**۲۰**	**۱۲۰**	**۱۳.۶۴٪**

مبحث / سال	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	۱۴۰۳	۱۴۰۴	۱۴۰۵	مجموع	درصد فراوانی
تعریب (ترجمه فارسی به عربی و معادل‌یابی اصطلاحات)	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۲	۶۲	۷.۰۵٪
ترجمه (ترجمه عربی به فارسی)	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۸	۵۸	۶.۵۹٪
۷. مهارت‌های زبانی	**۲۰**	**۲۰**	**۲۰**	**۲۰**	**۲۰**	**۲۰**	**۱۲۰**	**۱۳.۶۴٪**
املاء و همزه (قطع و وصل، کتابت همزه و الف مقصوره)	۲	۴	۳	۲	۳	۲	۱۶	۱.۸۲٪
تشکیل، اعراب و تصحیح ساختاری جمله (کاربرد «ال» و حروف جر)	۳	۴	۶	۵	۲	۳	۲۳	۲.۶۱٪
واژگان، متلازمات لفظی، مترادف و متضاد، تعابیر، امثال و مکالمه	۱۰	۷	۶	۸	۱۰	۱۰	۵۱	۵.۸۰٪
درک مطلب (فهم المقروء)	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۳۰	۳.۴۱٪
مجموع کل سؤالات سال	**۱۵۰**	**۱۵۰**	**۱۴۵**	**۱۴۵**	**۱۴۵**	**۱۴۵**	**۸۸۰**	**۱۰۰٪**
گزارش تحلیلی و توصیه‌های راهبردی برای داوطلبان								
۱. تحلیل روندها:								

- از سال ۱۴۰۲ تعداد سؤالات زبان انگلیسی از ۳۰ به ۲۵ سؤال کاهش یافته (کاهش در بخش لغت و کلوز تست)، اما سهم درک مطلب انگلیسی در هر ۶ سال ثابت (۱۵ سؤال) و همواره بر محور متون تخصصی زبان و ادبیات عربی بوده است.
- در درس صرف و نحو، سهم سؤالات «اعراب و تحلیل صرفی ترکیبی» از ۵ سؤال در سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۴ به ۶ سؤال در سال ۱۴۰۵ افزایش یافته و سؤالات مفهومی و کاربردی (مانند دلالت زمانی مشتقات، تعدد اوجه اعرابی و شروط دقیق نواسخ) پررنگ‌تر شده است.
- در درس علوم بلاغی، وزن «علم معانی» در ۴ سال اخیر (۱۴۰۲ تا ۱۴۰۵) به حدود ۵۰ درصد کل سؤالات این درس (۱۰ تا ۱۱ سؤال) رسیده و بر تحلیل دقیق سیاق و اغراض مجازی تمرکز دارد؛ در حالی که سهم عروض و بدیع در کل دوره ثابت و محدود (مجموعاً ۳ تا ۴ سؤال) مانده است.
- در درس تشکیل و متون ادبی، در سال ۱۴۰۵ شاهد یک تغییر ساختاری جدید بودیم: تعداد سؤالات تشکیل از ۵ به ۳ کاهش یافت و برای نخستین بار ۳ سؤال مستقل «درک مطلب متن ادبی» به این بخش اضافه شد.
- در درس ترجمه و تعریب معاصر، تعادل سنتی ۱۰ سؤال تعریب و ۱۰ سؤال ترجمه در سال ۱۴۰۵ به ۱۲ سؤال تعریب و ۸ سؤال ترجمه تغییر یافت و گرایش به متون تخصصی حقوقی، اقتصادی، پزشکی و رسانه‌ای افزایش پیدا کرد. **۲. معرفی مباحث کلیدی (پرتکرارترین سرفصل‌ها):**
- **صرف و نحو:** اعراب و تحلیل صرفی ترکیبی (۳۱ سؤال)، منصوبات به‌ویژه حال، منادا و مفاعیل (۲۷ سؤال)، مباحث صرفی به‌ویژه اعلال و تصغیر (۲۱ سؤال) و نواسخ و مجهول‌سازی (۲۰ سؤال).

- **علوم بلاغی:** علم معانی به‌ویژه اسلوب قصر، اغراض استفهام، ایجاز بالحذف و فصل و وصل (۵۹ سؤال) و علم بیان به‌ویژه انواع تشبیه، استعاره و علاقات مجاز مرسل (۳۸ سؤال).
- **تاریخ ادبیات و نقد ادبی:** ادبیات عصر عباسی (۳۰ سؤال) و نقد ادبی، مکاتب و ادبیات تطبیقی (۳۰ سؤال) به‌تنهایی نیمی از سؤالات این درس را تشکیل می‌دهند.
- **متون ادبی و معاصر:** فهم و ترجمه ابیات و نثر ادبی (۶۱ سؤال)، تعریب متون معاصر (۶۲ سؤال) و ترجمه متون معاصر (۵۸ سؤال).
- **مهارت‌های زبانی:** واژگان، متلازمات لفظی، تعابیر و امثال (۵۱ سؤال) و درک مطلب ثابت ۵ سؤالی در هر سال (۳۰ سؤال). **۳. توصیه‌های راهبردی برای برنامه‌ریزی مطالعه:**
- **اولویت‌بندی در صرف و نحو و بلاغت:** به جای حفظ طوطی‌وار قواعد، بر «تحلیل ترکیبی آیات و ابیات» و «تشخیص تله‌های تستی» (مانند نکره مخصصه، تقدیم واجب در قصر، گرته‌برداری در مجهول و ادوات تقریب در غلو) تمرکز کنید؛ کتاب پاسخنامه تشریحی ۱۴۰۵ الگوی دقیقی برای این مهارت ارائه می‌دهد.
- **تقویت مهارت درک مطلب و واژگان معاصر:** با توجه به سهم بالای درک مطلب در انگلیسی (۹۰ سؤال)، مهارت‌های زبانی (۳۰ سؤال) و ورود آن به متون ادبی در سال ۱۴۰۵، مطالعه روزانه متون رسانه‌ای، حقوقی و ادبی عربی و تسلط بر متلازمات لفظی، بیشترین بازدهی را در افزایش درصد کل خواهد داشت.
- **تمرکز هدفمند در تاریخ ادبیات:** در مطالعه تاریخ ادبیات، ابتدا بر «عصر عباسی» و «نقد ادبی و مکاتب» تسلط کامل پیدا کنید و سپس ویژگی‌های سبکی عصر جاهلی، اموی، اندلسی و معاصر را به صورت مقایسه‌ای (جدولی) مرور نمایید.

مقدمه تحلیلی بر روند آزمون‌های کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی (۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵)

بررسی دقیق و تطبیقی سؤالات شش دوره اخیر آزمون کارشناسی ارشد ناپیوسته زبان و ادبیات عربی (کد ۱۱۰۴) نشان می‌دهد که این آزمون دیگر صرفاً سنجش محفوظات کلاسیک داوطلبان نیست، بلکه به یک ارزیابی عمیق، تحلیلی و مهارت‌محور تبدیل شده است. یکی از مهم‌ترین نشانه‌های ساختاری این تحول، تغییر تعداد سؤالات و زمان پاسخ‌گویی است؛ به طوری که آزمون از ۱۵۰ سؤال در ۱۳۵ دقیقه در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱، به ۱۴۵ سؤال در ۱۳۵ دقیقه در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ کاهش یافت و در سال‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ با حفظ ۱۴۵ سؤال، زمان پاسخ‌گویی به ۱۵۰ دقیقه افزایش پیدا کرد. افزوده شدن ۱۵ دقیقه به زمان آزمون در دو سال اخیر، بیانگر افزایش طول متون، عمیق‌تر شدن لایه‌های تحلیلی و نیاز داوطلب به تأمل بیشتر در کشف ظرایف معنایی و تله‌های تستی است. هدف این مقدمه، ارائه تصویری شفاف از نقشه ذهنی طراحان سؤال برای برنامه‌ریزی هوشمندانه داوطلبان است. **۱. مباحث ثابت و پرتکرار در طول شش سال (ستون‌های اصلی آزمون)** برخی سرفصل‌ها در تمامی شش سال گذشته بدون استثنا حضور پررنگی داشته‌اند و هسته سخت آزمون را تشکیل می‌دهند:

- **صرف و نحو:** سؤالات ترکیبی «اعراب و تحلیل صرفی» (همواره ۵ تا ۶ سؤال آغازین)، قواعد اعلال و تصغیر، نواسخ (به‌ویژه «ما»ی حجازیه و «لا»ی نفی جنس)، مجهول‌سازی افعال لازم و متعدی، منصوبات (حال، منادا و مفاعیل) و احکام تقدیم و تأخیر ارکان جمله.
- **علوم بلاغی:** «علم معانی» با سهم حدود ۵۰ درصدی (به‌ویژه اسلوب قصر، اغراض مجازی استفهام و انشاء، ایجاز بالحذف و فصل و وصل)، «علم بیان» (تشبیه تمثیلی و بلیغ، انواع استعاره و علاقات مجاز مرسل) و سهم ثابت ۲ سؤالی عروض (تقطیع و تشخیص بحور).
- **تاریخ ادبیات و نقد ادبی:** ادبیات عصر عباسی به عنوان پرتکرارترین دوره تاریخی، در کنار مباحث نقد ادبی قدیم و جدید، مکاتب ادبی (کلاسیسیسم، رمانتیسیسم، سمبولیسم، رئالیسم و ساختارگرایی) و مبانی ادبیات تطبیقی.
- **متون ادبی و معاصر:** ترجمه و مفهوم‌شناسی آیات، نهج‌البلاغه و ابیات کلاسیک، و در بخش معاصر، تعریب و ترجمه متون رسانه‌ای، سیاسی، حقوقی و اقتصادی.
- **مهارت‌های زبانی و زبان انگلیسی:** درک مطلب ثابت ۵ سؤالی در مهارت‌های زبانی و ۱۵ سؤالی در زبان انگلیسی (با محوریت متون تخصصی زبان‌شناسی عربی، گویش‌ها و تاریخ ادبیات)، به همراه متلازمات لفظی، همزه قطع و وصل، املاء و کاربرد امثال و تعابیر اصطلاحی. **۲. چرخش‌های روش‌شناختی و تغییر تمرکز طراحان سؤال** مقایسه سؤالات سال ۱۴۰۰ با سال‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵، پنج چرخش راهبردی در رویکرد طراحان را آشکار می‌سازد:
- **گذر از قواعد خشک به «نحوِ معناگرا و کاربردی»:** در سال‌های اخیر، سؤالات صرف و نحو از پرسش‌های مستقیم درباره تعاریف فاصله گرفته و به سمت ظرایف معنایی-ساختاری رفته است؛ مانند تشخیص خروج اسم تفضیل از معنای برتری، دلالت زمانی اسم فاعل بر اساس سیاق، تعدد اوجه اعرابی واژگان منصوب و پرهیز از گرته‌برداری غربی در مجهول‌سازی (منع کاربرد «من قِبَل» و «من جانب»).
- **بلاغت کاربردی و سیاق‌محور:** در علم بلاغت، به‌جای پرسش‌های کلیشه‌ای درباره نام آرایه‌ها، طراحان بر تحلیل «مقام و مقتضای حال» متمرکز شده‌اند؛ از جمله مقایسه جملات از نظر شدت مدح یا قوت نفی، تشخیص قصرهای کاذب (مانند تقدیم واجب نحوی یا استثنای مثبت) و استخراج معانی دقیق از ساختارهای خبری و انشایی.
- **تحول ساختاری در درس «متون ادبی» (نقطه عطف ۱۴۰۵):** تا سال ۱۴۰۴، این درس شامل ۵ سؤال تشکیل و ۱۵ سؤال ترجمه و مفهوم بود؛ اما در سال ۱۴۰۵، تعداد سؤالات تشکیل به ۳ سؤال کاهش یافت، برای نخستین بار ۳ سؤال مستقل «درک مطلب متن ادبی» اضافه شد و بخش قابل توجهی از سؤالات شعر (به جای ترجمه فارسی) به تحلیل مفهومی و شرح عربی ابیات اختصاص یافت.
- **تخصصی‌شدن متون معاصر و رشد سهم تعریب:** تعادل سنتی ۱۰ سؤال تعریب و ۱۰ سؤال ترجمه در سال ۱۴۰۵ به ۱۲ سؤال تعریب و ۸ سؤال ترجمه تغییر یافت و واژگان و متون کاملاً به سمت حوزه‌های تخصصی حقوقی (قراردادها و جرم‌انگاری)، مالی و مالیاتی، پزشکی و زیست‌محیطی حرکت کرد.
- **تحلیلی‌شدن تاریخ ادبیات و کاهش کتاب‌شناسی صرف:** در سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ شاهد افزایش سؤالات مستقیم کتاب‌شناسی و تطبیق اثر و مؤلف بودیم، اما در سال ۱۴۰۵ این رویکرد جای خود را به سؤالات تحلیلی، مقایسه‌ای و علّی-معلولی (مانند مقایسه غزل جاهلی و اموی، تفاوت شعر عباسی و اندلسی و ریشه‌یابی ظهور شعر آزاد و موشحات) داد. **۳. شخصیت‌ها،**

ادیبان و منتقدان پربسامد در سؤالات آزمون بررسی بسامد نام‌ها و دیدگاه‌ها در شش سال گذشته نشان می‌دهد کـه طراحـان آزمون توجه ویژه‌ای به جریان‌های فکری و نظریه‌پردازان اثرگذار در تاریخ ادبیات و نقد عرب دارند:

- **منتقدان و پژوهشگران معاصر (بیشترین بسامد در نقد و ادبیات تطبیقی):** «طه حسین» پربسامدترین چهره معاصر در ایـن ۶ سال است؛ دیدگاه‌های او درباره شک و انتحال در شعر جاهلی، انکار وجود تاریخی شعرای عذری، وحدت عضویه، گرایش به منهج تاریخی-محیطی و کتاب «حدیث الأربعاء» بارها مورد پرسش قرار گرفته است. پس از او، «عباس محمود العقـاد» (وحـدت عضـویه، مکتب دیوان و نقد ابن رومی)، «خلیل مطران» (پیشگام رمانتیسیسم و حلقه وصل سـنت و تجـدد)، «محمـود سـامی البـارودی» و «أحمد شوقی» (مکتب احیاء) و ادیبان مهجر به‌ویژه «جبران خلیل جبران»، «أمین الریحانی» و «إیلیا أبوماضی» بیشترین تکـرار را داشته‌اند.
- **منتقدان و ادیبان کلاسیک (ستون‌های نقد قدیم):** «عبدالقاهر الجرجانی» با «نظریه نظم» و پیوند لفظ و معنا و اعجـاز قـرآن، محور اصلی سؤالات نقد قدیم است. در کنار او، «قدامة بن جعفر» (تأثیرپذیری از منطق و تمرکز بر صورت)، «أبـوهلال العسـکری» (کتاب الصناعتین و گرایش به لفـظ)، «الجـاحظ» (آثـار شـاخص، روش شـک و عقـل‌گرایی) و «ابـن سـلام الجمحـی» (نخسـتین اشاره‌کننده به انتحال و کتاب طبقات) همواره در کانون توجه بوده‌اند.
- **شاعران و نویسندگان شاخص کلاسیک:** در میان شاعران، «أبوالعلاء المعری» (عقل‌گرایی، بدبینی، پیـروی از متنبـی در سـقط الزند و معجز أحمد)، «المتنبی» (شعر، شرح‌های دیوان او و حضور پررنگ ابیاتش در نحو و بلاغت)، «بشار بن برد» (خاتمـه قـدما و فاتحه محدثین، شعوبیه و تجدد)، «أبوتمام و البحتری» (تقابل سبک صناعت و طبع) و «عمر بن أبی ربیعـة» (غـزل صـریح امـوی) بیشترین بسامد را دارند. در حوزه نثر نیز «ابن المقفع»، «عبدالحمید الکاتب»، «ابن العمید»، «القاضـی الفاضـل» و «ابـن عبدربـه» (العقد الفرید) چهره‌های کلیدی آزمون محسوب می‌شوند. **۴. دیدگاه استراتژیک و نقشه راه مطالعه برای داوطلبان** با توجه به این تحولات، داوطلب موفق آزمون کارشناسی ارشد عربی کسی است که از روش‌های سنتی و حفظ‌محور عبور کند و چهار اصل زیر را در برنامه مطالعاتی خود نهادینه سازد:
- **تحلیل‌محوری به جای حفظ قواعد:** در صرف و نحو و بلاغت، تسلط بر «تله‌های تستی» (مانند تشخیص نکره مخصصه، قیـدهای مطلق‌ساز در گزینه‌ها، ادوات تقریب در غلو و فرق لام اصلی با لام تقویه) و تمرین مداوم روی اعراب و تحلیل ترکیبی آیات و ابیـات، کلید کسب درصد بالا است.
- **تغییر رویکرد در متون ادبی و معاصر:** با توجه به ظهور درک مطلب ادبی و شرح عربی ابیات در سال ۱۴۰۵، داوطلبان باید علاوه بر ترجمه فارسی، مهارت «درک مستقیم مفهوم عربی» و استنباط غرض شاعر را تقویت کننـد و هم‌زمـان دایـره واژگـان تخصصـی حقوقی، اقتصادی و رسانه‌ای خود را برای بخش تعریب گسترش دهند.
- **مطالعه تطبیقی در تاریخ ادبیات و نقد:** به‌جای حفظ پراکنده زندگینامه‌ها، ویژگی‌های هر عصر، تقابل مکاتب ادبی و دیدگاه‌های نقادان پربسامد (به‌ویژه جرجانی، جاحظ، معری، طه حسین و عقاد) را در قالب جدول‌های مقایسه‌ای و علّی-معلولی مرور کنید.
- **سرمایه‌گذاری مستمر بر مهارت درک مطلب:** مجموعاً ۲۳ سؤال از آزمون (۱۵ سؤال انگلیسی، ۵ سؤال مهارت‌هـای زبـانی و ۳ سؤال متون ادبی) مستقیماً به مهارت درک مطلب اختصاص دارد. تمرین روزانه با متون زبان‌شناسی عربی به زبان انگلیسی (مباحث دوزبانگی، دیجلاسیا، گویش‌ها و تاریخ زبان عربی) و مقالات تحلیلی عربی، تضمینی‌ترین مسیر برای جهـش در تـراز و رتبـه نهـایی داوطلبان خواهد بود.

آزمون کارشناسی ارشد زبان عربی ۱۴۰۵

صرف و نحو

عیّن الصحیح فی الإعراب والتحلیل الصرفی (۱-۶):

۱. ﴿و جعلوا الله شرکاء الجنّ ... سبحانه وتعالی عما یصفون﴾

۱) الجنّ: اسم - مؤنث معنوی - جامد (غیرمصدر) - منصرف / مضاف‌إلیه و مجرور لفظًا .

۲) عمّا: «ما» حرف غیرعامل من الموصولات الحرفیّة - یؤوّل ما بعده: وصفهم/ متعلّق الجارّ و المجرور: «تعالی».

۳) تعالی: فعل مضارع للمخاطب (بحذف التاء) - معتل و ناقص - معرب/ فاعله ضمیر «أنت»، المستتر وجوبًا و معطوف.

۴) سبحانه: «سبحان» مصدر غیرمتصرّف - معرفة (إضافة لفظیة)/ مفعول مطلق بحذف العامل و منصوب و ضمیر الهاء مفعول به.

۲. «بینکم و بین الموعظة حجاب من الغرة»:

۱) الغرّة: اسم ـ مفرد ـ مؤنث - جامد (غیر مصدر) – معرّف بأل – معرب – صحیح الآخر - منصرف/ مجرور بحرف الجر، من الغرّة: جار و مجرور و متعلقهما حجاب و نعت و مرفوع محلّا.

۲) الموعظة: اسم - مفرد - مؤنث - جامد (مصدر میمی) - معرف بأل - معرب - منصرف/ مبتدأ مؤخر جوازا و مرفوع و الجملة اسمیّة و ابتدائیّة.

۳) حجاب: اسم - مفرد - مذکر - جامد (مصدر) - نکرة - معرب - صحیح الآخر - منصرف/ مبتدأ مؤخّر وجوبا و مرفوع و الجملة اسمیة.

۴) بینکم: « بین»: ظرف غیرمتصرف أو مفعول فیه للمکان و متعلقه محذوف وجوبًا تقدیره کائن و شبه الجملة ظرف مستقر و خبر مقدّم جوازًا.

۳. « إذا ساءَ فعل المرءِ ساءت ظنونه و صدّق ما یعتاده من توهّم» :

۱) إذا : اسم غیرمتصرف من الأسماء الملازمة للإضافة إلی الجملة الفعلیّة/ ظرف غیرمتصرف أو مفعول فیه للزمان و متعلقه فعل ساءت (علی قَولٍ) و الظرف لغو.

۲) ساءت: فعل ماض – للغائبة- مجرد ثلاثی - صحیح و مهموز اللام - متعدٍّ - مبنی علی الفتح/ فعل و فاعله اسم ظاهر «الظنون» و الجملة فعلیّة و جواب شرط.

۳) یعتاد: فعل مضارع - للغائب - مزید ثلاثی بزیادة حرفین من باب تفاعل - معتل و أجوف واوی و إعلاله بالقلب / فعل و فاعله ضمیر هو المستتر فیه جوازًا و الجملة فعلیّة.

۴) توهّم: اسم - مفرد – مذکّر، جامد (مصدر) - نکرة - معرب - صحیح الآخر - منصرف / مجرور بحرف الجر، من توهم: جار و مجرور و متعلقهما محذوف و شبه الجملة صلة.

٤. « یَعیش المَرء ما استَحیا بِخَیر وَ یَبقی العود ما بَقی اللِحاء»:

۱) یعیش: فعل مضارع - للغائب - مجرد ثلاثی، معتل و ناقص - معرب - مبنی للمعلوم/ فعل و فاعله ضمیر هو المستتر فیه جوازًا و الجملة فعلیّة و استئنافیّة.

۲) یبقی: فعل مضارع - مجرد ثلاثی - معتل و ناقص و إعلاله بالقلب - لازم - مبنی للمعلوم - معرب/ فعل مرفوع بالضّمة المقدرة و فاعله ضمیر هو المستتر فیه جوازًا و الجملة فعلیة.

۳) بقی: فعل ماض - للغائب - مجرد ثلاثی - معتل و ناقص دون إعلال - لازم - مبنی للمعلوم - مبنی علی الفتح/ فعل و فاعله اسم ظاهر «اللحاء» و الجملة فعلیّة و لا محل لها من الإعراب.

۴) استحیا : فعل ماض - للغائب - مزید ثلاثی من باب استفعال - معتل و إعلاله بالقلب – لازم/ فعل و فاعله ضمیر هو المستتر فیه جوازا و الجملة فعلیّة و یؤوّل إلی مصدر.

۵. «رأیت الحُرّ یجتنِب المَخازی وَ یَحمیه عَنِ الغَدر الوَفاء»:

۱) الغدر: مذکر - جامد (غیرمصدر) - معرّف بأل - معرب – منصرف/ عن الغدر: جار و مجرور و متعلقهما محذوف و شبه الجملة حال و صاحب الحال ضمیر «ه».

۲) رأیت: فعل ماض - للمتکلّم وحده - مجرد ثلاثی - معتل و ناقص - متعدٍّ - مبنی للمعلوم - معرب / فعل و فاعله ضمیر «ت» البارز و الجملة فعلیّة.

۳) یحمی: فعل مضارع - للغائب - مجرد ثلاثی - معتل و ناقص و إعلاله بالإسکان بحذف الحرکة - متعدّ - معرب / فعل مرفوع بالضّمّة المقدّرة وفاعله اسم ظاهر الوفاء.

۴) یجتنب: فعل مضارع - للغائب - مزید ثلاثی من باب افتعال - لازم - مبنی للمعلوم - معرب/ فعل مرفوع و فاعله اسم ظاهر « المخازی» و الجملة فعلیّة.

۶. « قلیل تدوم علیه أرجی من کثیر مملول منه»:

۱) قلیل: اسم - مفرد - مذکر - مشتق صفة مشبّهة - نکرة مخصّصة - معرب – صحیح الآخر / مبتدأ و مرفوع و الجملة اسمیّة و مسوّغ الابتداء بالنکرة کَونه موصوفًا.

۲) أرجی: فعل ماض - للغائب - مزید ثلاثی من باب افعال - مبنی علی السکون/ فعل و فاعله ضمیر هو المستتر فیه جوازا و الجملة فعلیّة.

۳) مملول: اسم - مفرد - مذکر - مشتق اسم مفعول أصله « ملّ» - نکرة محضة - معرب - منصرف/ خبر مفرد و مرفوع للمبتدأ «قلیل».

۴) تدوم: فعل مضارع - للمخاطب - مجرد ثلاثی - معتل و أجوف/ فعل مرفوع و مع فاعله جملة فعلیّة و خبر.

عیّن المناسب للجواب فی الأسئلة التالیة (۷-۲۰):

۷. عیّن «ما» موصولة اسمیّة فقط:

۱) ﴿أفتهلکُنا بما فعل المبطلون﴾

۲) ﴿اُدع لنا ربّک بما عهد عندک﴾

۳) ﴿و لا تخافون انکم اشرکتم بالله لم ینزّل به علیکم سلطانًا﴾

۴) ﴿یا لیت قومی یعلمون بما غفر لی ربّی و جعلنی من المکرمین﴾

۸. عیّن الصحیح فی تصغیر الکلمات التالیة علی التوالی:

«نیران - سِنَة - مُعتزلیّ - إجْرام»

۱) نُویران - وُسَیْنَة - مُعَیْزِل - أُجَیْرام

۲) نُوَیرات - وُسَیْنَة - مُعَیْزِلیّ - أُجَیْریم

۳) نُیَیْرات - سُنَیَّة - مُعَیْزِلیّ - أُجَیْریم

۴) نُوَیرات - سُنَیَّة - عُزَیلیّ - أُجَیْرام

۹. عیّن اسم تفضیل لم یخرج مِن معناهُ التفضیلیّ:

۱) ﴿قال هؤلاء بناتی هُنَّ أطْهَرُ لکم﴾ (حین یخاطب لوط (ع) قومه فی موضوع الزواج مع ضیوفه من الملائکة)

۲) إنّ الذی سَمَک السماءَ بَنَی لنا بیتًا دعائمُه أعَزّ و أطول. (قصد الشاعر المقارنة بین مواصفات بیتهم و بین بیت مَهجُوّهم)

۳) ﴿إنّ الذین یُحادّون الله و رسوله أولئک فی الأذلّین﴾

۴) وَ إنْ مُدّتِ الأیدی إلی الزّادِ لم أکُنْ بأعْجَلِهِم.

۱۰. عیّن ما فیه کلّه من الأسماء المؤنثة:

۱) اعلی - أمناء – حقیقة

۲) حیران - انحناء - فضلی

۳) علماء - جوعَی ـ دعوَی

۴) موسیقی - مستشفی ـ صفراء

۱۱. عیّن ما یدلّ علی الزمن الماضی:

۱) ﴿الحمد لله الّذی فاطر السماواتِ والأرضِ﴾

۲) ﴿إنکم أیّها الضالّون ... فمالئون منها البطون﴾

۳) ﴿إنّی جاعل فی الأرض خلیفة﴾

۴) ﴿إنی خالق بشرًا من صلصال﴾

۱۲. عیّن منادی لم یکن منکرا محضًا عند من یناديه:

۱) یا مؤمنین! إلی من نتّکئ فی أمثولات الدهر؟!

۲) یا طالبًا! حقّق أمنیّاتک بالجُهد و الجدّ!

۳) یا کاتبًا ! حتی متی تُطیل الکتابة ؟!

۴) یا صدیقان! إلی متی نصطبر ؟!

۱۳. **عیّن ما لا یحتمل إلّا دَورًا نحویًا واحدًا:**
۱) نمت طویلًا. ۲) لا تجلس یمینًا. ۳) عملت خوفًا. ۴) تکلّم همسًا.

۱٤. **عیّن ما لیست فیه الکلمة المحدّدة مفعولًا به:**
۱) یا قابل التوب غفرانًا مآثم!
۲) هو مُهد إلیّ غرائب أشعاره!
۳) أجب دائمًا لدعوة داعٍ موجع القلب!
۴) هو کناطحٍ صخرة یومًا لیوهنها!

۱۵. **عیّن «الواو» استعملت للمعیّة:**
۱) لا تأکلوا الطعام و تکتبوا التمارین!
۲) جاء المدعوّون و ابن عمّی قبلهم!
۳) اشترک هؤلاء و أولئک فی المراسیم!
۴) مشَوا هم و الضیوف مبتسمین نحو الصالة!

۱٦. **عیّن الصحیح فی صیاغة الجملة علی أساس البناء للمجهول:**
۱) أدّب الشابّ من جانب صدیقه.
۲) باربعة دلائل اُستدلّ فأسکت الحاضرون.
۳) هذا الاقتراح مؤیَّد من المشارکین فی النّدوة.
۴) جیات بحجّة بالغة حیث أغلقت أفواه الجمیع.

۱۷. **عیّن اللام التی لیست للتقویة:**
۱) ﴿و الذین هم لربّهم یرهبون﴾
۲) ﴿و عَنَتِ الوجوهُ للحیّ القیّوم﴾
۳) ﴿مُصدِّقًا لِما بین یدیَّ من التوراة﴾
۴) ﴿هیهاتَ هیهات لِما توعَدون﴾

۱۸. **عیّن الصحیح:**
۱) البضائعَ ما التاجرُ ببائعٍ.
۲) ما المُزارعُ الطعامَ بآکلٍ.
۳) سهلًا ما کان جوابُ السؤال.
۴) ما المشتکی متکلّمًا بل صامتًا.

۱۹. **عیّن الخطأ:**
۱) لا مکانةَ مرموقةٌ لدیه عند الأدباء.
۲) لا دانیًا من الشرِّ عاقلٌ یجلس بیننا.
۳) لا سامعَ و لا المتکلِّمَ فی قاعة الحوار.
۴) لا طالب علمٍ متکاسلًا یوجد فی الصفّ.

۲۰. **عیّن ما یجوز فیه تغییر مکان الفاعل و المفعول به:**
۱) لمّا مرِض، احْتَسَی موسَی الحساءَ.
۲) بعد فترة طویلة رأی الطالبَ معلّمه.
۳) لم یعطِه الملک ما هو أهله فلهذا کان مظلومًا.
۴) قد اعترض الرجلُ علی الحکم و قال: لم یفعل طارق إلا الخیر.

۱. **گزینه ۲)**

«و جن را شریکان خدا قرار دادند... او منزه و برتر است از آنچه توصیف می‌کنند.»

۱) الجن: اسم - مؤنث معنوی - جامد (غیر مصدر) - منصرف / مضاف‌الیه و مجرور ۲) عما: «ما» حرف غیرعامل از موصولات حرفی است - مابعد آن به «وصفهم» تاویل می‌رود - متعلق جار و مجرور: «تعالی» است. ۳) تعالی: فعل مضارع برای مخاطب (با حذف تاء) - معتل و ناقص - معرب / فاعل آن ضمیر «أنت» است که وجوباً مستتر شده و معطوف است. ۴) سبحانه: «سبحان»: مصدر غیر متصرف - معرفه به اضافه لفظی - مفعول مطلق با حذف عامل و منصوب و ضمیر هاء مفعول‌به است.

موضوع سوال موضوع این سؤال بررسی دقیق ترکیب نحوی و تحلیل صرفی واژگان در ساختار جمله است و تبیین می‌کند که چگونه شناخت دقیق موصولات حرفی، افعال معتل، ساختار اضافه‌ها و مصادر برای رسیدن به گزینه صحیح ضروری است.

پاسخ تشریحی: کلمه «عمّا» از ترکیب (عن + ما) تشکیل شده است. حرف «ما» در اینجا مبنی، غیرعامل و از نوع موصولات حرفی (حروف مصدری) است.**تحلیل نحوی:** موصولات حرفی به همراه جمله پس از خود تأویل به یک مصدر صریح می‌شوند. در نتیجه عبارت «ما یَصِفونَ» به مصدر «وَصفِهِم» تأویل می‌گردد (عن وصفِهِم). همچنین ترکیب جار و مجرور «عمّا» از نظر نحوی مستقیماً متعلق به فعل «تَعالی» (برتر است) است که پیش از آن ذکر شده است.

بررسی سایر گزینه ها گزینه ۱: این گزینه دارای خطای صرفی است. واژه «الجن» در زبان عربی اسم جنس جمعی است و از نظر تذکیر و تأنیث، مذکر محسوب می‌شود، نه مؤنث معنوی.**بررسی گزینه ۳:** این گزینه خطای فاحش صرفی و نحوی دارد. کلمه «تَعالی» در اینجا فعل ماضی (بر وزن تَفاعَلَ) برای صیغه مفرد مذکر غایب است و فاعل آن ضمیر مستتر جوازاً «هو» (به مرجعیت الله) است. ادعای مضارع بودن آن با فاعل «أنت» کاملاً اشتباه است.**بررسی گزینه ۴:** در ترکیب «سبحانه» (سبحان + ه)، نوع اضافه، اضافه معنوی است، زیرا مضاف (سبحان) اسم مشتقِ عامل نیست که اضافه آن لفظی باشد. افزون بر این، ضمیر «هاء» در محل جر و مضاف‌الیه است و مفعول‌به محسوب نمی‌شود.

شرح قواعد بنیادین موصولات حرفی (حروف مصدری) حروفی هستند که با جمله پس از خود ترکیب شده و یک مصدر مؤول می‌سازند. پرکاربردترین این حروف عبارتند از: «أنْ، أنَّ، کَیْ، ما، لَو». این حروف به تنهایی نقش دستوری ندارند، اما مصدر مؤولِ حاصل از آن‌ها می‌تواند نقش‌های گوناگونی (مانند فاعل، مفعول‌به، مجرور به حرف جر و غیره) بپذیرد.

کادر جمع‌بندی: مقایسه انواع اضافه

نوع اضافه	ویژگی ساختاری مضاف	تأثیر نحوی	مثال بارز
اضافه لفظی	اسم مشتق عامل (اسم فاعل، اسم مفعول، صفت مشبهه)	مضاف‌الیه در اصل معمولِ مضاف بوده است	طالِبُ العِلمِ
اضافه معنوی	اسم جامد یا مصدری که شرایط عامل بودن را ندارد	مضاف‌الیه باعث تخصیص یا تعریف مضاف می‌شود	سُبحانَهُ، کِتابُ التلمیذِ

راه حل تستی تله بزرگ این سؤال در گزینه ۳ نهفته است. طراح با استفاده از ظاهر کلمه «تَعالی» که با حرف «ت» آغاز شده، سعی در فریب داوطلب داشته تا آن را فعل مضارع (مانند تَتَعالی) فرض کند. با چشم‌خوانی و توجه به سیاق و معنای آیه، ماضی بودن این فعل فوراً تشخیص داده شده و این گزینه انحرافی رد می‌شود.

نکات تکمیلی ریشه کلمه «سبحان» از (س ب ح) به معنای شناور بودن و دور شدن است و در اصطلاح شرعی به معنای تنزیه و دور دانستن مطلق خداوند از هرگونه کاستی به کار می‌رود. در نحو عربی، این واژه همواره به‌صورت مضاف و در نقش مفعول مطلق برای فعل محذوفِ هم‌خانواده خود استعمال می‌شود.

۲. گزینه ۴)

«میان شما و پندپذیری، پرده‌ای از غفلت وجود دارد»:

۱) الغرة: اسم - مفرد - مؤنث - جامد (غیر مصدر) - معرفه به ال - معرب - صحیح‌الآخر - منصرف / مجرور به حرف جر، من الغرة: جار و مجرور و متعلق آن دو «حجاب» است و نقش صفت و محلاً مرفوع دارد. ۲) الموعظة: اسم - مفرد - مؤنث - جامد (مصدر میمی) - معرفه به ال - مبتدای مؤخر جوازاً و مرفوع و جمله اسمیه و ابتدائیه است. ۳) حجاب: اسم - مفرد - مذکر - جامد (مصدر) - نکره - معرب - صحیح‌الآخر - منصرف / مبتدای مؤخر وجوباً و مرفوع و جمله اسمیه است. ۴) بینکم: «بین» ظرف غیرمتصرف یا مفعول‌فیه برای مکان است و متعلق آن وجوباً محذوف بوده و تقدیر آن «کائن» است و شبه‌جمله، ظرف مستقر و خبر مقدم جوازاً است.

موضوع سوال این سؤال اعراب جملات اسمیه، نقش دستوری ظروف و شبه‌جمله‌ها، و احکام پیچیده تقدیم و تأخیر مبتدا و خبر را در قواعد نحو زبان عربی مورد بررسی قرار می‌دهد.

پاسخ تشریحی (هسته پاسخ)تحلیل صرفی: واژه «بین» یک اسم مکان و ظرف غیرمتصرف است. در ادبیات نحو، ظرف غیرمتصرف ظرفی است که همواره ملازم نصب بر ظرفیت بوده یا فقط با حرف جر «مِن» مجرور می‌شود.**تحلیل نحوی:** ترکیب «بینکم» یک شبه‌جمله ظروفی است که در جایگاه خبر مقدم قرار دارد. از آنجا که متعلقِ این ظرف در جمله ذکر نشده است، به فعلِ عامِ محذوفِ وجوبی (مانند «کائن» یا «استقرَّ») تعلق دارد؛ لذا به آن «ظرف مستقر» می‌گویند. مبتدای این جمله، کلمه «حجاب» است. اگرچه «حجاب» نکره است، اما چون با شبه‌جمله «مِن الغرة» توصیف شده، به یک «نکره مخصصه» تبدیل گردیده است. طبق قواعد نحو، هرگاه مبتدا نکره مخصصه باشد، تأخیر مبتدا و تقدیم خبر «جوازی» است، نه «وجوبی»؛ در نتیجه توصیفاتِ نحوی این گزینه کاملاً دقیق است.

بررسی سایر گزینه ها گزینه ۱: کلمه «الغرة» (به معنای غفلت)، ریشه مصدری دارد (غَرَّ یغُرُّ غِرّةً) و جامدِ غیرمصدر نیست. دلیل انحرافی اصلی این است که جار و مجرور «من الغرة» نمی‌تواند از نظر نحوی به اسم جامدی مانند «حجاب» متعلق باشد، زیرا متعلق ظرف و مجرور الزاماً باید یک فعل یا شبه‌فعل (اسم مشتق) باشد.**بررسی گزینه ۲:** نقش دستوری «الموعظة» در جمله، صرفاً «مضاف‌الیه» برای ظرف دوم («بین») است. ادعای مبتدای مؤخر بودنِ آن یک خطای فاحش نحوی است که با ماهیت ترکیب اضافی در تناقض است.**بررسی گزینه ۳:** در این گزینه ادعا شده که «حجاب» مبتدای مؤخر «وجوباً» است. همان‌طور که اشاره شد، توصیف شدنِ «حجاب» با شبه‌جمله صفتیِ «من الغرة»، آن را از حالت نکره محضه خارج کرده و به نکره مخصصه ارتقا داده است، که این امر حکمِ تأخیر مبتدا را از حالت «وجوب» به «جواز» تغییر می‌دهد.

شرح قواعد بنیادین ظرف مستقر و ظرف لغو: هرگاه شبه‌جمله (جار و مجرور یا ظرف) نقش اصلی در کلام (مانند خبر، صفت یا حال) را ایفا کند، متعلق آن یک فعل عام محذوف و مقدّر (نظیر استقرّ یا کائن) خواهد بود؛ چنین شبه‌جمله‌ای «ظرف مستقر» نامیده می‌شود. در مقابل، اگر متعلق شبه‌جمله مستقیماً در کلام ذکر شده باشد، به آن «ظرف لغو» می‌گویند.

کادر جمع‌بندی: مقایسه احکام تقدیم خبرِ شبه‌جمله بر مبتدا

وضعیت مبتدا	وضعیت خبر	حکم تقدیم خبر	مثال کاربردی
نکره محضه (بدون صفت و اضافه)	شبه‌جمله (جار و مجرور / ظرف)	وجوبی	فی الدارِ رَجُلٌ
نکره مخصصه (دارای صفت یا مضاف‌الیه)	شبه‌جمله	جوازی	بینَنا حجابٌ مِن الغرّةِ
معرفه (عَلَم، دارای اَل، ضمایر و...)	شبه‌جمله	جوازی	لِلّهِ المَشرِقُ

راه حل تستی تله مهلک طراح در کلمه «نکره» پنهان شده است. چشم‌خوانیِ سریع ممکن است داوطلب را فریب دهد که ترکیبِ «خبر شبه‌جمله + مبتدای نکره» همواره به معنای تأخیر وجوبیِ مبتداست (تله گزینه ۳). تکنیک میان‌بر این است که به محض

رؤیت مبتدای نکره، یک کلمه بعد از آن را اسکن کنید؛ حضور صفتِ «من الغرة» سریعاً ماهیت نکره را مخصصه کرده و کلمه کلیدی «وجوباً» را باطل می‌سازد.

نکات تکمیلی در مباحث بلاغی و زبان‌شناختی، ریشه «غ ر ر» بیانگر غفلت و فریب‌خوردگی است. عبارت «حجاب من الغرّة» در واقع یک تصویرسازی استعاری پنهان است که در آن، غفلت همچون یک حائل مادی (پرده) به تصویر کشیده شده است تا شدت کوریِ بصیرت انسان را در برابر «موعظه» نشان دهد.

مطابق درخواست شما، آیتم «تبیین اصطلاحات فوق‌تخصصی» از دستورالعمل حذف گردید. تحلیل سؤال ۲۸ با رعایت دقیق سایر اصول به شرح زیر تقدیم می‌شود:

۳. گزینه ۱)

«هرگاه کردار آدمی بد شود، گمان‌هایش نیز بد می‌گردد و توهماتی را که به آنها عادت کرده است، باور می‌کند:»

۱) إذا: اسم غیر متصرف از اسم‌های ملازم اضافه به جمله فعلیه / ظرف غیر متصرف یا مفعول‌فیه برای زمان و متعلق آن طبق یک قول، فعل «ساءت» است و ظرف لغو می‌باشد. ۲) ساءت: فعل ماضی - برای غایبه - مجرد ثلاثی - صحیح و مهموز اللام - متعدی - مبنی بر فتح / فعل و فاعل آن اسم ظاهر «الظنون» و جمله فعلیه و جواب شرط است. ۳) یعتاد: فعل مضارع - غایب - مزید ثلاثی با افزایش دو حرف از باب تفاعل - معتل اجوف واوی و اعلال آن به قلب / فعل و فاعل آن ضمیر مستتر جوازاً «هو» و جمله فعلیه است. ۴) توهم: اسم - مفرد - مذکر - جامد (مصدر) - نکره - معرب - صحیح‌الآخر - منصرف / مجرور به حرف جر، من توهم جار و مجرور و متعلق آن دو محذوف و شبه‌جمله صله است.

موضوع سوال موضوع این سؤال بررسی دقیق ویژگی‌های نحوی ادوات شرط (ظروف زمان) و همچنین شناخت صحیح ریشه افعال معتل و باب‌های مزید در علم صرف است.

پاسخ تشریحی: واژه «إذا» یک اسم مبنی (غیر متصرف از نظر اعرابی) است که در نقش ظرف زمان به کار می‌رود و از نظر ساختار صرفی ملازم با اضافه شدن به جملات (اغلب فعلیه) است.**تحلیل نحوی:** این کلمه مفعول‌فیه برای زمان آینده و متضمن معنای شرط است. مضاف‌الیه آن جمله فعلیه پس از خود (ساء فعل المرء) است و محلاً مجرور می‌باشد. از نظر وابستگی نحوی (تعلّق)، طبق نظر مشهور نحویون، ظرف «إذا» به فعل جواب شرط (در اینجا «ساءت») متعلق است. از آنجا که متعلق این ظرف مستقیماً در کلام ذکر شده است، این ترکیب یک «ظرف لغو» محسوب می‌شود.

بررسی سایر گزینه ها گزینه ۲: این گزینه دارای یک تضاد آشکار و خطای صرفی است. فعل «ساءت» از ریشه (س و أ) است؛ بنابراین یک فعل «معتل اجوف واوی» محسوب می‌شود و ادعای «صحیح» بودن آن در این گزینه کاملاً غلط است.**بررسی گزینه ۳:** در این گزینه به اشتباه ادعا شده است که «یَعتادُ» از باب «تفاعُل» است. ریشه این فعل (ع و د) است و در باب تفاعل به شکل «یَتَعاوَدُ» درمی‌آید، در حالی که «یَعتادُ» مضارع باب «افتعال» (اِعتادَ، یَعتادُ) است.**بررسی گزینه ۴:** ادعای نحوی این گزینه باطل است. شبه‌جمله «مِن توهُّمٍ» صله موصول نیست. صله برای موصولِ «ما»، صرفاً جمله فعلیه «یعتادُهُ» است. جار و مجرور در اینجا در نقش بیان جنس برای ضمیر مفعولی «هاء» ظاهر شده یا مستقیماً به فعل «یعتاده» متعلق است.

شرح قواعد بنیادین در نحو زبان عربی، «إذا» ظرف زمانی است که معنای شرط را در خود جای داده و همواره به جمله فعلیه پس از خود اضافه می‌شود. جمله اول (فعل شرط) نقش مضاف‌الیه را دارد، در حالی که خودِ «إذا» از نظر اعرابی مفعول‌فیه و منصوب است و عامل نصبِ آن، فعلِ جواب شرط است.

کادر جمع‌بندی: مقایسه باب‌های مزید برای ریشه معتل اجوف (ع و د)

باب مزید	فعل ماضی	فعل مضارع	مصدر	تغییرات اعلالی
افتعال	اِعتادَ	یَعتادُ	اِعتیاد	قلب واو به الف در ماضی و مضارع، قلب واو به یاء در مصدر
تفاعل	تَعاوَدَ	یَتَعاوَدُ	تَعاوُد	بدون تغییر اعلالی (حفظ واو به دلیل حفظ ساختار باب)

راه حل تستی در سؤالات ترکیبی صرف و نحو، بهترین میان‌بر تستی جستجوی تناقضات آشکار صرفی است. طراح در گزینه ۲ عبارت متناقضِ «صحیح و مهموز اللام» را برای فعلی که در ظاهرِ خود دارای الف است (ساء) آورده است. با یک نگاه ساده به ریشه (ع و د) برای فعل «یعتاد» نیز گزینه ۳ فوراً رد می‌شود.

نکات تکمیلی این بیت مشهور متعلق به «مُتَنَبّی»، شاعر نامدار دوره عباسی است که به زیبایی تأثیر اعمال انسان بر جهان‌بینی او را به تصویر می‌کشد. از نظر املایی، واژه «ساعت» در متن اصلی صورت سؤال یک خطای تایپی رایج در دفترچه آزمون است که صورت صحیح آن «ساءت» (زشت و بد شد) می‌باشد، همان‌گونه که در گزینه ۲ به درستی کتابت شده است.

٤. گزینه ۳)

«آدمی تا زمانی که حیا داشته باشد به نیکی زندگی می‌کند و شاخه تا زمانی که پوست آن باقی است، می‌ماند»:

۱) یعیش: فعل مضارع - برای غایب - مجرد ثلاثی معتل و ناقص - معرب - مبنی للمعلوم / فعل و فاعل آن ضمیر مستتر جوازاً «هو» و جمله فعلیه و استئنافیه است. ۲) یبقی: فعل مضارع - مجرد ثلاثی - معتل و ناقص و اعلال آن به قلب - لازم - مبنی للمعلوم - معرب / فعل مرفوع با ضمه مقدر و فاعل آن ضمیر مستتر جوازاً «هو» و جمله فعلیه است. ۳) بقی: فعل ماضی - برای غایب - مجرد ثلاثی - معتل و ناقص بدون اعلال - لازم - مبنی للمعلوم - مبنی بر فتح / فعل و فاعل آن اسم ظاهر «اللحاء» و جمله فعلیه است و محلی از اعراب ندارد. ۴) استحیا: فعل ماضی - برای غایب - مزید ثلاثی از باب استفعال - معتل و اعلال آن به قلب - لازم / فعل و فاعل آن ضمیر مستتر جوازاً «هو» و جمله فعلیه است و به مصدر تأویل می‌رود.

موضوع سوال این سؤال به‌صورت ترکیبی، قواعد مربوط به شناخت انواع افعال معتل و تغییرات اعلالی آن‌ها در علم صرف را در کنار بررسی اعراب جملات (جملاتی که محلی از اعراب ندارند) در علم نحو مورد سنجش قرار می‌دهد.

پاسخ تشریحی: واژه «بَقِیَ» یک فعل ماضی مجرد ثلاثی از ریشه (ب ق ی) است. از آنجا که حرف علّه در پایان ریشه قرار دارد، یک فعل «معتل ناقص» محسوب می‌شود. در صیغه للغائب (مفرد مذکر غایب)، حرف یاء دارای حرکت اصلی خود (فتحه) است و ماقبل آن مکسور می‌باشد؛ بنابراین هیچ‌گونه تغییری (اعلال) در ساختار آن رخ نداده است.**تحلیل نحوی:** این فعل مبنی بر فتح است و فاعل آن اسم ظاهرِ «اللحاء» می‌باشد که صریحاً در جمله ذکر شده و مرفوع است. از منظر نقش دستوریِ جملات، جمله فعلیه «بقی اللحاء» نقش صله را برای موصول حرفی «ما» (مصدریه ظرفیه) ایفا می‌کند و طبق قواعد نحو، جملات صله موصول هیچ محلی از اعراب ندارند.

بررسی سایر گزینه ها گزینه ۱: ریشه فعل «یَعیشُ»، (ع ی ش) است. چون حرف علّه در وسط ریشه (عین‌الفعل) قرار گرفته، این فعل از نوع «معتل اجوف» است و ادعای «معتل ناقص» بودنِ آن یک خطای بارز صرفی است.**بررسی گزینه ۲:** این گزینه در بخش تحلیل نحوی دچار خطا شده است. در جمله «یَبقَی العودُ»، کلمه «العود» مستقیماً فاعل برای فعل «یَبقَی» است؛ بنابراین ادعای این‌که فاعل، ضمیر مستتر جوازاً «هو» می‌باشد، کاملاً نادرست است.**بررسی گزینه ۴:** در این گزینه به اشتباه ادعا شده است که «جمله فعلیه به مصدر تأویل می‌رود». از نظر قواعد نحوی، جمله صله (به‌تنهایی) هرگز به مصدر تأویل نمی‌شود، بلکه «حرف مصدری» (در اینجا «ما») به همراه جمله صله، مجموعاً یک «مصدر مؤول» می‌سازند. خودِ جمله فعلیه در اینجا صرفاً صله است و محلی از اعراب ندارد.

کادر جمع‌بندی: دسته‌بندی و مقایسه انواع فعل معتل

نوع فعل معتل	جایگاه حرف علّه	مثال در سؤال	وضعیت اعلال در صیغه غایب
مثال	ابتدای ریشه (فاءالفعل)	(و ج د) در متن نیست	معمولاً در مضارع حذف می‌شود
اجوف	میان ریشه (عین‌الفعل)	یَعیشُ (ع ی ش)	قلب یاء به کسره یا الف (حسب باب)
ناقص	انتهای ریشه (لام‌الفعل)	بَقِیَ (ب ق ی)	بدون اعلال (فتحه روی یاء حفظ می‌شود)

راه حل تستی طراح سؤال در گزینه‌های ۱ و ۲ از خطاهای آشکارِ چشمی استفاده کرده است. با بررسی سریعِ ریشه (ع ی ش)، ناقص بودن در گزینه ۱ فوراً باطل می‌شود. همچنین با یافتن کلمه بعد از فعل در جمله (یَبقی العود)، اسمِ مرفوعِ فاعل فوراً شناسایی شده و گزینه ۲ (که فاعل را مستتر دانسته) در کمتر از ۱۰ ثانیه حذف می‌گردد.

نکات تکمیلی این بیت زیبا که احتمالاً از اشعار حکمی عرب است، یک تشبیه تمثیلی پنهان در خود دارد. شاعر «حیا» را برای انسان، همچون «پوست» برای درخت می‌داند؛ همان‌گونه که درخت با از دست دادن پوست خود خشک شده و می‌میرد، انسان نیز با از دست دادن حیا، حیاتِ معنوی و اخلاقی خود را تباه می‌سازد.

۵. گزینه ۳)

«آزاده را می‌بینم که از پستی‌ها دوری می‌جوید و وفاداری، او را از خیانت حفظ می‌کند»:

۱) الغدر: مذکر - جامد (غیر مصدر) - معرفه به ال - معرب - منصرف / عن الغدر: جار و مجرور و متعلق آن دو محذوف و شبه‌جمله حال و صاحب حال ضمیر «ه» است. ۲) رأیت: فعل ماضی - متکلم وحده - مجرد ثلاثی - معتل و ناقص - متعدی - مبنی للمعلوم - معرب / فعل و فاعل آن ضمیر بارز «ت» و جمله فعلیه است. ۳) یحمی: فعل مضارع - برای غایب - مجرد ثلاثی - معتل و ناقص و اعلال آن به اسکان با حذف حرکت - متعدی - معرب / فعل مرفوع با ضمه مقدر و فاعل آن اسم ظاهر «الوفاء» است. ۴) یجتنب: فعل مضارع - برای غایب - مزید ثلاثی از باب افتعال - لازم - مبنی للمعلوم - معرب / فعل مرفوع و فاعل آن اسم ظاهر «المخازی» و جمله فعلیه است.

موضوع سوال موضوع این سؤال سنجش دقت داوطلب در شناخت اعلال افعال معتل، دسته‌بندی کلمات از نظر اِعراب و بِناء، و همچنین توانایی تحلیل نقش‌های نحوی در جملاتی با ترتیب جابه‌جاشده فاعل و مفعول‌به است.

پاسخ تشریحی: فعل «یَحمی» مضارع مجرد ثلاثی از ریشه (ح م ی) بوده و معتل ناقص محسوب می‌شود. در صیغه غایب، ساختار اصلی آن «یَحمِیُ» است؛ اما از آنجا که تلفظ حرکت ضمه بر روی حرف یاء ثقیل است، حرکت حذف شده و اعلال به اسکان صورت گرفته است. همچنین این فعل، فعلی متعدی است که مفعول‌به می‌پذیرد.**تحلیل نحوی:** از نظر اعرابی، این فعل مرفوع بوده ولی به علت اسکان حرف علّه، اعراب آن با ضمه مقدّر است. در جمله «یَحْمِیه عن الغدر الوفاءُ»، مفعول‌بهِ فعل به صورت ضمیر متصل منصوب (هاء) پیش از فاعل ظاهر شده است. کلمه «الوفاءُ» فاعلِ مرفوع برای فعل «یَحمی» است که به‌صورت اسم ظاهر ذکر شده و به درستی توصیف گردیده است.

بررسی سایر گزینه ها گزینه ۱: توصیف کلمه «الغدر» به عنوان یک اسم جامد (غیر مصدر) یک خطای واضح صرفی است؛ زیرا این واژه مصدر فعل (غَدَرَ، یَغدِرُ) است. افزون بر این، ترکیب جار و مجرور «عن الغدر» مستقیماً به فعل «یَحمی» متعلق است و به هیچ‌وجه نقش شبه‌جمله حالیه را ندارد.**بررسی گزینه ۲:** این گزینه حاوی یک اشتباه بنیادین است. در زبان عربی، تمام افعال ماضی ذاتاً «مبنی» (مبنی بر فتح، ضم یا سکون) هستند. ادعای «معرب» بودن برای فعل ماضیِ «رأیتُ»، با پایه‌ای‌ترین قواعد زبان عربی در تضاد است.**بررسی گزینه ۴:** دو خطای مهلک در این گزینه وجود دارد. نخست، فعل «یَجتَنِبُ» در این جمله متعدی است و نیاز به مفعول دارد، اما در این گزینه «لازم» معرفی شده است. دوم، کلمه «المخازی» در جمله نقش مفعول‌بهِ منصوب را ایفا می‌کند (آزاده از چه چیزی دوری می‌کند؟ از پستی‌ها)، در حالی که این گزینه آن را به اشتباه «فاعلِ مرفوع» دانسته است (فاعلِ آن ضمیر مستتر «هو» است).

شرح قواعد بنیادین در مبحث افعال معتل، هنگامی که لام‌الفعل واو یا یاء باشد (معتل ناقص)، در حالت مضارعِ مرفوع، عموماً «اعلال به اسکان» رخ می‌دهد تا از سنگینی تلفظ (ثِقَل) جلوگیری شود. از منظر قواعد نحوی در چینش ارکان جمله، هرگاه مفعول‌به یک ضمیر متصل به فعل باشد و فاعل به صورت اسم ظاهر بیاید، تقدیم مفعول‌به بر فاعل واجب است (مانند: یَحمیهِ ... الوفاءُ).

کادر جمع‌بندی: مقایسه انواع تغییرات اعلالی در افعال ناقص

وضعیت فعل ناقص	نوع اعلال	علت رخداد	مثال کاربردی
مضارع مرفوع (حرف علّه و / ی)	اعلال به اسکان	سنگینی تلفظ ضمه روی حروف علّه	یَحمِیُ ← یَحمِی
مضارع مجزوم	اعلال به حذف	تبعیت از ابزار جازمه (لم، لام امر، لا نهی)	لَم یَحمِی ← لَم یَحمِ
ماضی (صیغه‌های خاص نظیر جمع مذکر)	اعلال به حذف	جلوگیری از التقای ساکنین (حذف لام‌الفعل)	حَمَیُوا ← حَمَوا

راه حل تستی طراح با جابه‌جا کردن فاعل و مفعول در جمله دوم (گزینه ۴)، روی خطای ذهنی داوطلب حساب باز کرده است. بسیاری از داوطلبان با دیدن اولین اسمِ بعد از فعل، آن را فاعل فرض می‌کنند. با تمرکز بر معنا (این آزاده است که دوری می‌گزیند، نه پستی‌ها)، «المخازی» به عنوان مفعول‌به افشا می‌شود. تکنیک رد گزینه برای گزینه ۲ نیز صرفاً دیدن کلمه متناقضِ «معرب» در کنار «فعل ماضی» است که در کمتر از سه ثانیه آن را از دور خارج می‌سازد.

نکات تکمیلی واژه «المَخازی» جمع مکسر کلمه «المَخزاة» و برگرفته از ریشه (خ ز ی) به معنای رسوایی و ذلت است. در ادبیات کلاسیک عرب، «الحُرّ» (انسان آزاده) نماد شخصیتی است که از رذایل اخلاقی کناره می‌گیرد و صفت وفاداری، چونان سپری محافظ، او را از غلتیدن در دام خیانت و پیمان‌شکنی (الغدر) مصون می‌دارد.

۶. گزینه ۳)

«آزاده را می‌بینم که از پستی‌ها دوری می‌جوید و وفاداری، او را از خیانت حفظ می‌کند»:

۱) الغدر: مذکر - جامد (غیر مصدر) - معرفه به ال - معرب - منصرف / عن الغدر: جار و مجرور و متعلق آن دو محذوف و شبه‌جمله حال و صاحب حال ضمیر «ه» است. ۲) رأیت: فعل ماضی - متکلم وحده - مجرد ثلاثی - معتل و ناقص - متعدی - مبنی للمعلوم - معرب / فعل و فاعل آن ضمیر بارز «ت» و جمله فعلیه است. ۳) یحمی: فعل مضارع - برای غایب - مجرد ثلاثی - معتل و ناقص و اعلال آن به اسکان با حذف حرکت - متعدی - معرب / فعل مرفوع با ضمه مقدر و فاعل آن اسم ظاهر «الوفاء» است. ۴) یجتنب: فعل مضارع - برای غایب - مزید ثلاثی از باب افتعال - لازم - مبنی للمعلوم - معرب / فعل مرفوع و فاعل آن اسم ظاهر «المخازی» و جمله فعلیه است.

موضوع سوال موضوع این سؤال سنجش دقت داوطلب در شناخت اعلال افعال معتل، دسته‌بندی کلمات از نظر اِعراب و بِناء، و همچنین توانایی تحلیل نقش‌های نحوی در جملاتی با ترتیب جابه‌جاشده فاعل و مفعول‌به است.

پاسخ تشریحی: فعل «یَحمی» مضارع مجرد ثلاثی از ریشه (ح م ی) بوده و معتل ناقص محسوب می‌شود. در صیغه غایب، ساختار اصلی آن «یَحمِیُ» است؛ اما از آنجا که تلفظ حرکت ضمه بر روی حرف یاء ثقیل است، حرکت حذف شده و اعلال به اسکان صورت گرفته است. همچنین این فعل، فعلی متعدی است که مفعول‌به می‌پذیرد.**تحلیل نحوی:** از نظر اعرابی، این فعل مرفوع بوده ولی به علت اسکان حرف علّه، اعراب آن با ضمه مقدّر است. در جمله «یَحْمِیه عن الغدر الوفاءُ»، مفعول‌بهِ فعل به صورت ضمیر متصل منصوب (هاء) پیش از فاعل ظاهر شده است. کلمه «الوفاءُ» فاعلِ مرفوع برای فعل «یَحمی» است که به‌صورت اسم ظاهر ذکر شده و به درستی توصیف گردیده است.

بررسی سایر گزینه ها گزینه ۱: توصیف کلمه «الغدر» به عنوان یک اسم جامد (غیر مصدر) یک خطای واضح صرفی است؛ زیرا این واژه مصدر فعل (غَدَرَ، یَغدِرُ) است. افزون بر این، ترکیب جار و مجرور «عن الغدر» مستقیماً به فعل «یَحمی» متعلق است و به هیچ‌وجه نقش شبه‌جمله حالیه را ندارد.**بررسی گزینه ۲:** این گزینه حاوی یک اشتباه بنیادین است. در زبان عربی، تمام افعال ماضی ذاتاً «مبنی» (مبنی بر فتح، ضم یا سکون) هستند. ادعای «معرب» بودن برای فعل ماضیِ «رأیتُ»، با پایه‌ای‌ترین قواعد زبان

عربی در تضاد است.**بررسی گزینه ۴:** دو خطای مهلک در این گزینه وجود دارد. نخست، فعل «یَجتَنِبُ» در این جمله متعدی است و نیاز به مفعول دارد، اما در این گزینه «لازم» معرفی شده است. دوم، کلمه «المخازی» در جمله نقش مفعول‌بهِ منصوب را ایفا می‌کند (آزاده از چه چیزی دوری می‌کند؟ از پستی‌ها)، در حالی که این گزینه آن را به اشتباه «فاعلِ مرفوع» دانسته است (فاعلِ آن ضمیر مستتر «هو» است).

شرح قواعد بنیادین در مبحث افعال معتل، هنگامی که لام‌الفعل واو یا یاء باشد (معتل ناقص)، در حالت مضارعِ مرفوع، عموماً «اعلال به اسکان» رخ می‌دهد تا از سنگینی تلفظ (ثِقَل) جلوگیری شود. از منظر قواعد نحوی در چینش ارکان جمله، هرگاه مفعول‌به یک ضمیر متصل به فعل باشد و فاعل به صورت اسم ظاهر بیاید، تقدیم مفعول‌به بر فاعل واجب است (مانند: یَحمیهِ ... الوفاءُ).

کادر جمع‌بندی: مقایسه انواع تغییرات اعلالی در افعال ناقص

وضعیت فعل ناقص	نوع اعلال	علت رخداد	مثال کاربردی
مضارع مرفوع (حرف علّه و / ی)	اعلال به اسکان	سنگینی تلفظ ضمه روی حروف علّه	یَحمِیُ ← یَحمِی
مضارع مجزوم	اعلال به حذف	تبعیت از ابزار جازمه (لم، لام امر، لا نهی)	لَم یَحمِی ← لَم یَحمِ
ماضی (صیغه‌های خاص نظیر جمع مذکر)	اعلال به حذف	جلوگیری از التقای ساکنین (حذف لام‌الفعل)	حَمَیُوا ← حَمَوا

راه حل تستی طراح با جابه‌جا کردن فاعل و مفعول در جمله دوم (گزینه ۴)، روی خطای ذهنی داوطلب حساب باز کرده است. بسیاری از داوطلبان با دیدن اولین اسمِ بعد از فعل، آن را فاعل فرض می‌کنند. با تمرکز بر معنا (این آزاده است که دوری می‌گزیند، نه پستی‌ها)، «المخازی» به عنوان مفعول‌به افشا می‌شود. تکنیک رد گزینه برای گزینه ۲ نیز صرفاً دیدن کلمه متناقضِ «معرب» در کنار «فعل ماضی» است که در کمتر از سه ثانیه آن را از دور خارج می‌سازد.

نکات تکمیلی واژه «المَخازی» جمع مکسر کلمه «المَخزاة» و برگرفته از ریشه (خ ز ی) به معنای رسوایی و ذلت است. در ادبیات کلاسیک عرب، «الحُرّ» (انسان آزاده) نماد شخصیتی است که از رذایل اخلاقی کناره می‌گیرد و صفت وفاداری، چونان سپری محافظ، او را از غلتیدن در دام خیانت و پیمان‌شکنی (الغدر) مصون می‌دارد.

۷. گزینه ۳)

مشخص کن گزینه‌ای را که در آن «ما» منحصراً موصول اسمی است:

۱) آیا ما را به سبب آنچه باطل‌گرایان انجام دادند، هلاک می‌کنی؟ ۲) پروردگارت را برای ما بخوان به واسطه عهدی که نزد تو دارد. ۳) و نمی‌ترسید از این‌که چیزی را شریک خدا قرار داده‌اید که هیچ برهانی برای آن بر شما نازل نکرده است. ۴) ای کاش قوم من می‌دانستند که پروردگارم مرا آمرزید و از گرامی‌داشتگان قرار داد.

موضوع سوال این سؤال به‌طور تخصصی بر توانایی تشخیص کارکردهای نحوی چندگانه حرف «ما» (موصول اسمی، مصدری، استفهامی) تمرکز دارد و از داوطلب می‌خواهد موردی را بیابد که از نظر قواعد نحو، هیچ احتمال دیگری جز «موصول اسمی» بودن برای آن متصور نباشد.

پاسخ تشریحی: واژه «ما» در آیه شریفه (سوره انعام، آیه ۸۱)، یک اسم مبنی بر سکون است که در جایگاه موصول عام (برای غیرعاقل) به کار رفته است.**تحلیل نحوی:** کلمه «ما» در این جمله نقش «مفعول‌به» را برای فعل متعدی «أَشْرَکْتُم» ایفا می‌کند (شریک قرار دادید... چه چیزی را؟ ... چیزی را که). جمله «لَم یُنَزِّل بِهِ» صله موصول است و ضمیر مجروری «هاء» در «بِهِ»، ضمیر

درسنامه مروری صرف و نحو

بخش اول: بررسی واژگان و قواعد بنیادین (علم الصرف)

۱. شناخت افعال معتل و هزارتوی اعلال افعال معتل (دارای حروف و، ی، ا در ریشه) همواره دستخوش تغییرات آوایی (اعلال) می‌شوند تا تلفظ آن‌ها برای گویشور عرب آسان گردد.

- **معتل اجوف:** فعلی که عین‌الفعل آن حرف علّه باشد (مانند: ع ی ش ← یَعیشُ / ع و د ← یَعتادُ).
- **معتل ناقص:** فعلی که لام‌الفعل آن حرف علّه باشد (مانند: ب ق ی ← بَقِیَ / ح م ی ← یَحمی).**قاعده کلیدی اعلال در فعل ناقص:** اگر فعل ناقص در صیغه مضارع مرفوع باشد (یَحمِیُ)، به دلیل سنگینیِ تلفظِ ضمه روی حرف علّه، حرکت حذف شده و «اعلال به اسکان» رخ می‌دهد (یَحمی). اما در صیغه ماضی غایب (بَقِیَ)، فتحه روی حرف علّه سبک است و فعل بدون تغییر باقی می‌ماند.

۲. اسرار تصغیر و قواعد بازسازی کلمات تصغیر در زبان عربی صرفاً برای نشان دادن کوچکی نیست، بلکه برای تحبیب، تحقیر یا تقریب زمان و مکان نیز به کار می‌رود و در سه قالب اصلی (فُعَیل، فُعَیعِل، فُعَیعِیل) ریخته می‌شود.

- **تصغیر جمع کثرت:** جمع‌های کثرت (مانند نِیران) مستقیماً مصغر نمی‌شوند. باید به مفرد (نار ← نُوَیرة) بازگردانده شده و سپس با الف و تاء جمع بسته شوند (نُوَیرات).
- **رد محذوف:** حروفی که از ریشه حذف شده‌اند، در تصغیر بازمی‌گردند (سِنَة از ریشه وسن ← وُسَینة).
- **اسامی خماسی (پنج‌حرفی):** اگر حرف ماقبل آخر آن‌ها الف ممدوده باشد، در وزن «فُعَیعِیل» الف به یاء تبدیل می‌شود (إجرام ← أجَیرِیم).

۳. مرز باریک اسم تفضیل و صفت مشبهه اسم تفضیل (بر وزن أفعَل) برای بیان برتری وضع شده است. برای بقا در این معنا، باید یکی از سه شرط را داشته باشد: ۱) مجرد از ال و اضافه (همراه با حرف مِن)، ۲) معرفه به ال (مطلق برتری)، ۳) مضاف.**قاعده خروج از تفضیل:** اگر اسم تفضیل فاقد این شروط باشد (مثلاً به تنهایی صفت واقع شود: بیتاً أعزَّ وأطولَ)، یا در جایی به کار رود که اصلِ صفت در طرف مقابل وجود نداشته باشد (هُنَّ أطهرُ لکم)، از معنای برتری تهی شده و صرفاً نقش یک صفت عادی (صفت مشبهه) را ایفا می‌کند.

۴. نشانه‌های تأنیث و تله‌های جنسیت تشخیص مؤنث بودن یک اسم نیازمند دقت در ریشه و وزن است. علامت‌های تأنیث عبارتند از: تاء مربوطه، الف مقصوره (مانند کُبری، دَعوی) و الف ممدوده (مانند حَمراء، عَلیاء).**تله‌های طراح:** هر الفی نشانه تأنیث نیست. در اسامی مکان (مانند مُستشفی، مُصطفی) الف مقصوره جزو کلمه و نشانگر مذکر است. در مصادر (مانند انحناء، بناء) نیز همزه پایانی منقلب از ریشه است و ربطی به الف ممدوده تأنیث ندارد.

۵. زمانِ پنهان در مشتقات (اسم فاعل) اسم فاعل می‌تواند نشان‌دهنده زمانِ ماضی، حال یا آینده باشد. اگر بر زمان گذشته دلالت کند (مانند: فاطرُ السماوات)، توانایی عمل در مفعول خود را از دست داده و حتماً به آن مضاف می‌شود. اما اگر بر حال یا آینده دلالت کند (إنّی جاعلٌ...)، می‌تواند عامل بوده و مفعول‌به را منصوب سازد.

بخش دوم: ساختار جملات و روابط دستوری (علم النحو)

۱. بررسی حروف پرکاربرد و چندوجهی

- **انواع «ما»:**
  - **موصول اسمی:** قابلیت جایگزینی با «الذی» را دارد و نیازمند ضمیری (عائد) در جمله صله است که به آن بازگردد (أشرکتُم ما لَم یُنزِّل بِهِ).
  - **مصدری:** همراه با فعل پس از خود به یک مصدر صریح تأویل می‌شود (بِما فَعَلَ ← بِفِعلِ).
  - **مصدریه ظرفیه:** معنای استمرار و زمان (مادامی که) می‌دهد و معمولاً پیش از افعالی نظیر دام، بقی و عاش می‌آید (ما بَقِیَ اللحاءُ).
- **انواع «واو»:**
  - **واو معیت:** پیش از فعل مضارع، با «أن» مقدر باعث نصب فعل شده و معنای پرهیز از هم‌زمانی دو عمل را می‌دهد (لا تأکلوا و تکتبوا).